دانش‌آموز شهید، محمد بندرچی در خاطر یار:

دلم خوش بود که خط شکنم و با لباس غواصی شهید می‌شوم

*حسن شکیب زاده

شهید محمد بندرچی در کنار امیر حاجی نصیری

اشاره

محمد بندرچی، پانزدهم خرداد ماه سال ۱۳۴۹ در شهر قزوین به دنیا آمد. پدرش اسماعیل، معلم بود و مادرش فاطمه‌بیگم مجابی نام داشت. دانش‌آموز دوم متوسطه در رشته ریاضی در دبیرستان شریعتی بود که به عنوان رزمنده بسیجی از آبان سال۱۳۶۴ در جبهه‌ها حضور یافت و پس از مجروحیت در عملیات والفجرهشت سرانجام چهارم دی ماه سال ۱۳۶۵در عملیات کربلای چهار شرکت کرده و در ام‌الرصاص عراق به شهادت رسید. پیکرش مدت‌ها در منطقه برجا ماند و سال ۱۳۷۶پس از تفحص در گلزار شهدای زادگاهش به خاک سپرده شد. رزمنده دفاع مقدس، امیر حاجی نصیری یکی از همرزمان شهید محمد بندرچی است که پس از بازگشت پیکر شهید خاطراتی از او می‌گوید:

***دلم خوش بود که خط‌شکنم**

آفتاب گرم و سوزان سد «دِز دزفول» صورتم را برافروخته بود و من به سرعت بین چادرها سَرَک می‌کشیدم، تا آخرین باقی‌مانده از خیل بچه‌ها را به آن‌هایی که کنار آب جمع شده بودند تا آموزش غواصی ببینند، ملحق کنم. ناگهان چهره مظلوم و غمناک «محمد») را دیدم، که کنار چادر فرماندهی گروهان خودشان، زانوها را بغل کرده و به گوشه‌ای از آسمان خیره گشته است. کنارش رفتم و گفتم: سلام محمد آقا! چطوری؟ ... چرا این‌قدر محزون و غمگینی؟

سرش را پایین انداخت. گویا نمی‌خواست چیزی بگوید. توی چهره‌اش ترس و هراس خاصی دیده می‌شد. با صدای گرفته‌ای شروع به صحبت کرد: «من از عملیات والفجر ۸ تا حالا در جبهه‌ها هستم. هر چی هم به این طرف و آن طرف زده‌ام تا شهید شوم، نشده است. حالا هم که گُردان ما، گُردان ویژه غواصی شده، دلم خوش بود که خطشکن هستم و حتماً با لباس غواصی شهید می‌شوم؛ اما دو، سه شب پیش، خواب عجیبی دیدم. برای کسی تعریفش نکردم؛ ولی همه فکرم را به خود مشغول کرده است.»

گفتم: «خوابت چی بود؟»

گفت: «خواب آقا «سید محسن شهیدی» را –که در عملیات والفجر۸ شهید شد– دیدم، که به همراه سید جلیل‌القدری که نور چهره‌اش مانع می‌شد تا صورتش را به خوبی ببینم، به طرفم می‌آمدند. لحظه‌ای که آقا سید محسن را دیدم، دویدم و سلام کردم و او را در آغوش گرفتم. جریان شهید شدنش را برایم تعریف کرد. با غصه گفتم: «کاشکی من هم پیش شما بودم و شهید می‌شدم.» لبخندی زد و به آن سید بزرگوار ـکه عمامه سبز رنگ زیبایی به سر داشتـ نگاه عمیقی کرد و چیزی نگفت. توی دلم افتاد که ایشان قطعاً باید آقا امام حسین(ع) باشند.»

بعد از چند لحظه تأمل، گفت: «بله؛ تو هم در این عملیات شهید می‌شوی. شب عملیات، لباسی را که توی ساک داری، بپوش!»

من از خوشحالی در پوست خودم نمی‌گُنجیدم و همین‌طور گریه می‌کردم و از آن سید بزرگوار و آقا سید محسن تشکر می‌کردم که یک دفعه از خواب بیدار شدم.

> ***«من از عملیات والفجر ۸ تا حالا در جبهه‌ها هستم. هر چی هم به این طرف و آن طرف زده‌ام تا شهید شوم، نشده است. حالا هم که گردان ما، گُردان ویژه غواصی شده، دلم خوش بود که خط‌شکن هستم و حتماً با لباس غواصی شهید می‌شوم؛ اما دو ـ سه شب پیش، خواب عجیبی دیدم**

صبح که شد با خودم فکر کردم آخر ما که غواص هستیم، پس چه طور آقا سید محسن آدرس لباس داخل ساکم را، که یک لباس شخصی است داد؟ نکند خوابم اشتباهی بوده؟

خیلی دلم گرفته بود. می‌ترسیدم شهید نشوم و برگردم و دیگر پدرم نگذارد به جبهه برگردم.

گفتم: «محمد آقا! حالا بلند شو پیش بچه‌های گردان برویم. ان‌شاالله یک طوری می‌شود!»

بلند شدیم و پیش بچه‌ها رفتیم؛ اما دیگر «محمد»، آن محمد قبلی نبود. خیلی آرام شده بود.

***می‌گفتم: «اخوی! یاد ما هم باش!»**

روزها و هفته‌ها گذشت، تا این که حدود دو هفته به عملیات مانده، در سنگر فرماندهی گُردان جلسه داشتیم. شهید «احمد اللهیاری»، فرمانده گُردان، طرح و برنامه عملیات را برای فرمانده‌های رده پایین تشریح می‌کرد. او گفت: «دو گروهان از ما با لباس غواصی به جزیره «ام الرصاص» حمله می‌کنند و یک گروهان هم به عنوان پشتیبان، لباس رزمی پوشیده و به محض شکسته شدن خط، برای دنبال کردن عراقی‌ها، با قایق وارد جزیره می‌شوند.»

از قضا، وقتی فرمانده نیروها را برای مأموریت تقسیم می‌کرد، محمد در گروه پشتیبانی افتاد و برای من ـکه مدتی خواب محمد فکرم را مشغول خود کرده بودـ مُسلّم شد که آخرین روزهایی است که «محمد» را می‌بینم.

یادم است وقتی به گروهان آن‌ها اعلام شد که شما به عنوان پشتیبان هستید و باید بدون لباس غواصی به عملیات بیایید، همه به غیر محمد، ناراحت شدند؛ چون برای خودش هم یقین شده بود که خوابش درست بوده و آقا سید درست خبر داده است.

از آن روز به بعد، عصرها می‌رفتم پیش محمد و هر چه می‌خواستم راجع به خوابش با او حرف بزنم، هیبت و جلال چهره‌اش به من این اجازه را نمی‌داد. فقط گاهی می‌گفتم: «اخوی! یاد ما هم باش!»

***لباس تنگ مادی**

مسئول «تعاون» گُردان، اعلام کرد: «ظرف چند ساعت باید همه بچه‌ها ساک‌هایشان را تحویل دهند.»

شور و شوق حمله، گردان را فرا گرفته بود. بچه‌ها با مهربانی خاصی با هم برخورد می‌کردند. گویا خودشان هم می‌دانستند که دو یا سه روزی بیش‌تر در این لباس تنگ مادی نیستند.

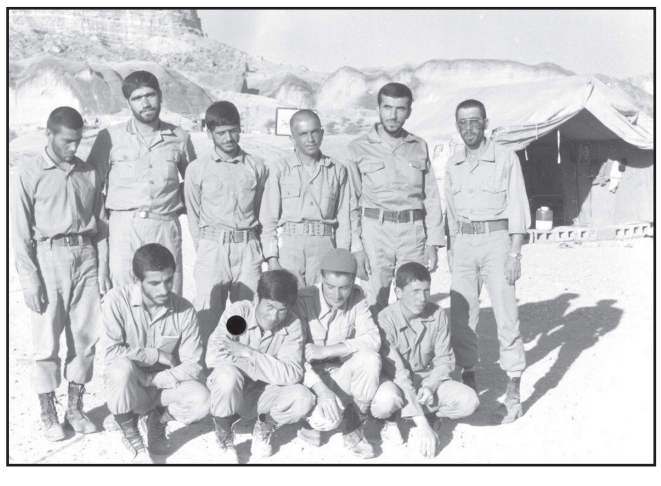

جلوی سنگر تعاون گردان، همه صف کشیده بودند که آخرین دلبستگی‌های شان را ـکه معمولاً عبارت از ساکی که داخلش یک دست لباس اضافه و یک حوله و لباس زیر و احیاناً چند کتاب اخلاقی بودـ تحویل دهند. در این لحظات، یکی ساعت خود را به دیگری و دیگری لباس کار خود و آن دیگری انگشتری‌اش را هدیه می‌داد.

کنار دست مسئول تعاون گردان، صندوق کوچکی بود که رویش نوشته شده بود: «صندوق کمک به ایتام و مستمندان»، که بچه‌ها داخلش پول می‌انداختند. در این هنگام، نگاهم به محمد افتاد. هر چه در جیبش بود، درآورد و همه را داخل صندوق انداخت. انگار اصلاً احتمال بازگشت خود را نمی‌داد.

> ***کنار تعاون گردان، صندوق کوچکی بود که رویش نوشته شده بود: «صندوق کمک به ایتام و مستمندان» و بچه‌ها داخلش پول می‌انداختند. در این هنگام، نگاهم به محمد افتاد. هر چه در جیبش بود درآورد و همه را داخل صندوق انداخت. انگار اصلاً احتمال بازگشت خود را نمی‌داد**

***بچه‌ها! آرام گریه کنید**

هوا تاریک شده بود، که کامیون‌های سرپوشیده را آوردند و بچه‌های گُردان را داخل آن‌ها سوار کردند. بچه‌ها نمی‌دانستند به کجا می‌روند و مقصد کجاست. کاروان کامیون‌های سرپوشیده، در میان جاده‌های خاکی پر از دست‌انداز، به حرکت در آمد. هر کسی در گوشه‌ای از کامیون نشسته و مشغول مناجات با معبود خود بود.

بعد از ساعت‌ها، کامیون‌ها در کنار ساختمان چند طبقه «گمرک خرمشهر» ایستاده و بچه‌ها به سرعت پایین آمدند. آن‌ها را به زیر زمین تاریک و غبارآلود گمرک، –که فاصله‌اش تا جزیره «ام‌الرصاص» کمتر از ۲۰۰ متر بود، هدایت کردند. دو شب در آن‌جا بودیم؛ اما چه بودنی و چه خاطرات و لحظاتی.

بعد از خواندن نمازها، آقا «سید باقر علمی» ـ که در همان عملیات شهید شد ـ با صدای آرام سخنرانی می‌کرد و در آخر، بچه‌ها با صدای سوزناک سید ـ که متوسل به بی‌بی فاطمه زهرا(س) می‌شد ـ منقلب شده و گریه می‌کردند. سید با صدای خفه و گریه آلود می‌گفت: «بچه‌ها! آرام گریه کنید. فاصله تا دشمن کم است. ممکن است صدای ما به آن‌ها برسد.

بچه‌ها پارچه به دهان خود می‌گذاشتند و عقده‌ها را در گلو خفه می‌کردند. گویا خواب از چشمان محمد رفته بود. هر وقت شب که بر می‌خاستی، چشمان اشک‌آلود و چهره محزون و نورانی او را ـ که مجبور بود سینه آتشین خود را در دل شب با اشک دیده آرام نماید ـ مشاهده می‌کردی.

***وقت وداع رسیده بود**

بالاخره انتظار به پایان رسید و بعد از نماز ظهر و عصر، فرمانده گردان اعلام کرد که امشب به یاری خدا، عملیات می‌کنیم و رمز عملیات هم یا فاطمه الزهرا (سلام‌الله‌علیها) است.

غواص‌ها که باید مستانه خود را به دریای خونین «اروند» می‌زدند، شور و حال عجیبی داشتند. وقت وداع رسیده بود. محمد را در آغوش کشیدم. خودم می‌دانستم که این دیدار، دیدار آخر است؛ لیکن باورم نمی‌شد. گویا خواب می‌دیدم و یا شاید هم فکر می‌کردم که خودم هم با آن‌ها خواهم رفت؛ چه خیال خامی!

بدون این‌که چیزی بگویم، اشک در چشمانم حلقه زد و از او جدا شدم. با نگاه خود مرا بدرقه کرد تا از ساختمان «گمرک» خارج شدم. دیگر او را ندیدم. فقط نیمه شب وقتی کنار جزیره‌ی ام الرصاص بی‌سیمم را روشن کردم، تا به فرماندهی گُردان خبر دهم که دشمن ما را دیده و عملیات قفل شده است، صدای ضعیف شهید «حسین سرباز» را، که هم‌قایقی محمد بود، شنیدم که مکرر یاحسین... یاحسین(ع) می‌گفت. گویا قایق آن‌ها را دشمن زده بود و همه شهید شده بودند و تنها بی‌سیم‌چی آن‌ها رمق کمی در بدن داشت و با یاحسین گفتن، اعلام موقعیت می‌کرد.

همان جا فهمیدم که رؤیای صادقانه محمد هم تعبیر شده است و او خواب زیبای خود را در کنار رود خروشان «اروند» به واقعیت رسانده است.

از آن ماجرا حدود دوازده سال گذشته بود که. با خبر شدم پیکر گل‌گون‌کفنان اروند را می‌آوردند. در میان آن‌ها، استخوان‌های ضعیف و کوچکی را دیدم، که حکایت از جثه کوچک صاحب خود داشت. استخوان‌ها توجه مرا به خود جلب کرد. به کنار تابوت رفتم. بله! خودش بود. او محمد بود، که با من حرف می‌زد. ناله‌های جانسوزش، گریه‌های عاشقانه‌اش و لبخند معصومانه‌اش در روزهای سخت جبهه و بالاخره داستان رؤیای صادقانه‌اش در ایام آموزشی سد «دز»، ضربات تکان دهنده‌ای بر جانم می‌زد و قلبم را می‌خراشید. نمی‌دانستم چه کنم و یا چه بگویم.

> ***بعد از خواندن نمازها، آقا «سید باقر علمی» ـ که در همان عملیات شهید شد ـ با صدای آرام سخنرانی می‌کرد و در آخر، بچه‌ها با صدای سوزناک سید ـ که متوسل به بی‌بی فاطمه زهرا(س) می‌شد ـ منقلب شده و گریه می‌کردند. سید با صدای خفه و گریه‌آلود می‌گفت: بچه‌ها! آرام گریه کنید. فاصله تا دشمن کم است. ممکن است صدای ما به آن‌ها برسد**

***دنیا را فراموش کنید و به او دل نبندید!**

شهید، محمد بندرچی در فرازهایی از وصیتنامه‌اش می‌نویسد:

ای مردم! ذکر خدا را بسیار بگویید و از یاد او غافل نشوید که غفلت از یاد او، سبب هلاکت است.

دنیا را فراموش کنید و به او دل نبندید که این دنیا، جز بازیچه و سرگرمی‌ای بیش نیست.

تقوای خدا را پیشه کنید و به زندگی دنیا مشغول نشوید.

هان! ای کسانی که خانه های زیبا می‌سازید و زندگی خود را زینت و آرایش می‌دهید و برای زندگی دنیا، خود را به گناه می‌اندازید.ای کسانی که با اندکی استغنا و بی‌نیازی، طغیان و سرپیچی می‌کنید! بدانید که زود است که اجل شما فرا رسد و خانه قبر، منزلگاهتان گردد.

ای کسانی که برای تکّه ای نان، علیه انقلاب و اسلام طغیان می‌کنید! بدانید که در آن دنیا قطره قطره خون شهیدان را از شما پرسش و بازخواست می‌کنند.

> ***نیمه شب وقتی کنار جزیره‌ی ام‌الرصاص بی‌سیمم را رِوشن کردم، تا به فرماندهی گردان خبر دهم که دشمن ما را دیده و عملیات قفل شده است، صدای ضعیف شهید «حسین سرباز» را، که هم قایقی محمد بود شنیدم که مکرر یاحسین، یاحسین(ع) می‌گفت. گویا قایق آن‌ها را دشمن زده بود و همه شهید شده بودند و تنها بی‌سیم‌چی آن‌ها رمق کمی در بدن داشت**

ای برادران دانش‌آموزم! مبادا کتاب و درس و مشق باعث گردد که شما از یاد خدا غافل باشید؛ درس را فقط برای رضای خدا بخوانید و برای آن کوشش کنید و اگر لازم شد، برای خدا رهایش کنید و به جبهه بیایید. بر در و دیوار کلاس، نام حسین(ع) و عکس شهدا را نصب کنید تا همیشه هوشیار باشید.

قرآن زیاد بخوانید. نماز خود را در اوّل وقت و حتماً به جماعت برپا کنید.

سعی کنید روحتان، جسمتان، یادتان و ذکرتان، همه خدا باشد. اگر کسانی گفتند که چرا رفت و چرا کشته شد؟ بگویید: خاموش باشید؛ شما از درک این مسائل عاجزید! بگویید:ای کسانی که به خاطر فرزندان و مال و پدر و مادر، اسلام را یاری نمی‌کنید! مرگ به‌زودی میان شما و آنها جدایی می‌افکند.

حقیر و ذلیل، محمد بندرچی
۶۴/۱۱/۲۰

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۱۴۰۱۶۰۳۲۶۰۰۸۰۰۰۴۷۰ هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک رزن تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی خانم فاطمه عربلو به شناسنامه شماره ۳۹۸۰۱۹۷۴۷۶ کدملی ۳۹۸۰۱۹۷۴۷۶ صادره از رزن فرزند علی در ۹۶ شعیر مشاع از ۱۱۲ شعیر عرصه بانضمام هفتدانگ اعیان یک باب خانه به مساحت ۴۲۸.۶۴ مترمربع پلاک شماره ۱۰۳۴ فرعی از ۵۵ اصلی قریه درجزین واقع در همدان بخش ۵ حوزه ثبت ملک رزن خریداری عادی از دارنده اسناد شماره ۸۴۰۹۶ و ۳۹۰۷۱ دفتر ۵ همدان بنام ابراهیم صفرلو محرز گردیده است.لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند.بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد. م الف ۱۵۴

تاریخ انتشار نوبت اول : ۱۴۰۱/۰۹/۱۳ تاریخ انتشار نوبت دوم : ۱۴۰۱/۰۹/۲۸

حسین حیدری ـ رئیس ثبت اسناد و املاک

اداره ثبت اسناد واملاک حوزه ثبت مشهد ناحیه سه هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

آگهی قانون تعیین تکلیف وضعیت اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی حوزه ثبتی منطقه سه مشهد نظر به دستور مواد ۱ و ۲ قانون تعیین تکلیف وضعیت اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مصوب ۱۳۹۰/۹/۲۰املاک و متقاضیانی که در هیات موضوع ماده یک قانون مذکور مستقر در واحد ثبتی منطقه سه مشهد مورد رسیدگی و تصرفات مالکانه و بلا معارض انان محرز و رای لازم صادر گردیده جهت اطلاع عموم به شرح ذیل آگهی می گردد.املاک متقاضی واقع در پلاک ۲۳۸ اصلی بخش ۹ مشهد پلاک باقیمانده یک فرعی بنام صغری قره داشی به مساحت ۹۸/۶۵ واقع در سیدی - دایی ۵۶ خانزاده ۳ پلاک ۱۸ خریداری شده از مالک رسمی ورثه سید محمود سیدی حلاج می باشد. . لذا به موجب ماده ۳ قانون تعیین تکلیف اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی این آگهی در دونوبت به فاصله ۱۵ روز از طریق این روزنامه و محلی / کثیر الانتشار در شهر ها منتشر و در ورستا ها رای هیات الصاق تا در صورتیکه اشخاص ذینفع به آراء اعلام شده اعتراض داشته باشند باید از تاریخ انتشار اولین آگهی و در ورستا ها از تاریخ الصاق در محل تا دوماه اعتراض خود را به اداره ثبت محل وقوع ملک تسلیم و رسید اخذ نمایند معترض باید ظرف یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض مبادرت به تقدیم دادخواست به داگاه عمومی محل نماید و گواهی تقدیم دادخواست به اداره ثبت محل تحویل نهی که در این صورت اقدامات ثبت موکول به ارائه حکم قطعی دادگاه است و در وصورتی که اعتراض در مهلت قانونی واصل نگردد و یا معترض گواهی تقدیم دادخواست به داگاه عمومی محل ارائه نکند اداره ثبت مبادرت به صدور سند مالکیت می نماید . صدور سند مالکیت مانع از مراجعه متضرر به دادگاه نیست. م الف ۵۵۳

تاریخ انتشار نوبت اول : ۱۴۰۱/۸/۲۸ تاریخ انتشار نوبت دوم : ۱۴۰۱/۹/۱۳

ابوالقاسم نظام زاده ـ رئیس ثبت اسناد و املاک

فراخوان دعوت به مشارکت در ساخت

دانشکده علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی شوشتر

"دانشکده علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی شوشتر" جهت مشارکت در ساخت ساختمان های جدیدالاحداث مندرج در جدول ذیل بصورت BOT(سرمایه گذاری،بهره برداری،واگذاری)، از کلیه سرمایه گذار بخش خصوصی دعوت به همکاری می نماید.

لذا متقاضیان محترم در قالب اشخاص حقیقی و حقوقی می توانند ظرف مدت ۱۰روزپس از تاریخ درج آگهی جهت کسب اطلاع بیشتر و ارائه درخواست سرمایه گذاری به دفتر معاونت توسعه مدیریت و منابع طی ساعات اداری مراجعه نمایند.

ساختمان‌های جدیدالاحداث

ردیف	شرح	مساحت (مترمربع)
۱	دانشکده بهداشت	۳۱۸۴
۲	خوابگاه دانشجویی دختران(۲۰۰نفر)	۳۸۰۰
۳	خوابگاه دانشجویی پسران(۱۲۲نفر)	۲۲۵۳
۴	غذاخوری و سلف سرویس به انضمام آشپزخانه	۶۴۰
۵	سوله/ساختمان چند منظوره ورزشی	۱۶۸۵

آدرس: خوزستان-شوشتر-بلوار شهید شرافت-جنب سازمان امورمالیاتی-سازمان مرکزی دانشکده علوم پزشکی-مدیریت منابع فیزیکی(عمرانی)تماس با کارشناسان:۰۹۱۶۹۱۷۰۶۹۳ آقای قره باغی ۰۹۳۷۱۵۸۶۱۱۶ خانم طهور

آگهی تحدید حدود اختصاصی

به موجب ماده ۱۴ قانون ثبت اسناد و املاک تحدید حدود قسمتی از املاک و مستغلات حوزه ثبتی بخش گندمان شهرستان بروجن بشرح ذیل آگهی می‌شود:

شش‌دانگ یک درب باغ با حق‌الشرب طبق قانون ملی شدن آبها از چشمه گردیشه واقع در دهکده گردیشه تحت پلاک ۱۳۴ فرعی از ۷۶- اصلی گردیشه حوزه ثبتی گندمان بخش گندمان شهرستان بروجن استان چهارمحال و بختیاری که در مالکیت آقای علیرضا حاجی‌رحیمی فرزند مرتضی و شرکاء قرار گرفته است و مطابق سوابق ثبتی تحدید حدود قانونی پلاک اصلی بعمل نیامده است لذا حسب تقاضای مالک عملیات تحدید حدود پلاک موصوف ساعت ۹ صبح در روز یکشنبه مورخ ۱۴۰۱/۱۰/۰۴ به در محل شروع و انجام خواهد شد. لذا طبق ماده ۱۴ قانون ثبت به صاحبان املاک و مجاورین اعلام می‌شود در روز که در روز و ساعت مقرر در آگهی در محل تعیین حدود حضور بهم رسانید و چنانچه یکی از صاحبان املاک یا نماینده قانونی در محل تحدید حدود حضور نداشته باشند مطابق ماده ۱۵ قانون مذکور ملک آنها با حدود اظهار شده از طرف مجاورین تحدید حدود خواهد شد اعتراض نسبت به تحدید حدود طبق ماده ۲۰ قانون ثبت از تاریخ تنظیم صورت‌مجلس تحدید حدود به مدت ۳۰ روز می‌باشد و به استناد ماده ۸۶ اصلاحی آیین‌نامه قانون ثبت معترض می‌بایست در مهلت مقرر در آگهی ضمن تسلیم اعتراض به این اداره، دادخواست به مراجع به مراجع ذی‌صلاح قضایی تقدیم و گواهی مشعر بر طرح دعوی را از مراجع مذکور اخذ و به این اداره تسلیم نماید در غیراینصورت حق آن ساقط خواهد شد.

تاریخ انتشار: ۱۴۰۱/۰۹/۱۳

رضاقلی شریفی ـ اداره ثبت اسناد و املاک گندمان

آگهی فقدان سند مالکیت

نظر باینکه سند مالکیت ششدانگ یک باب خانه بشماره پلاک ۲۱۱ فرعی از ۱۰ اصلی واقع در روستای تکانلو بخش ۱۵ اردبیل بشرح ذیل ثبت ۸۱۹ صفحه ۴۵ دفتر جلد ۷ بشماره سریال ۸۷۷۳۹۹ الف ۸۱ بنام نقدعلی محمدی ساری نصیرلو فرزند سودمعلی ثبت، صادر و تسلیم گردیده، و مالک فوق برابر درخواست وارده به شماره ۱۴۰۱۲۱۷۰۳۰۰۴۰۰۹۶۹۹ مورخه ۱۴۰۱/۰۹/۰۹ بانضمام دو برگ استشهاد محلی اعلام نموده که سند مالکیت مزبور بنا بدلیل اسباب‌کشی و جابجایی مفقود گردیده، لذا مراتب در اجرای تبصره یک ماده ۱۲۰ آئین‌نامه قانون ثبت اسناد و املاک آگهی می‌گردد. که هرکس مدعی وجود سند مالکیت در پیش خود می‌باشد و یا معامله‌ای اعم از قطعی، رهنی و غیره انجام داده است ظرف مدت ده روز پس از انتشار آگهی به اداره ثبت گرمی تحویل نمایند در غیراینصورت اداره ثبت گرمی پس از انقضای مهلت مقرر در آگهی و در صورت عدم وصول اعتراض نسبت به صدور سند مالکیت المثنی برابر مقررات اقدام خواهد نمود. م الف ۵۱۳

سعید نیکخو ـ مدیر واحد ثبتی حوزه ثبت ملک گرمی

آگهی دعوت مجمع عمومی فوق العاده نوبت اول شرکت تعاونی مسکن طلاب و دانشجویان رزمنده علوم دینی قم

تاریخ انتشار: ۱۴۰۱/۰۹/۱۳

زمان: جمعه ۱۴۰۱/۰۹/۲۵
مکان: مجتمع تجاری فردوس جنب دفتر شرکت تعاونی
دستور جلسه: تمدید مدت فعالیت شرکت تعاونی
هر یک از اعضاء جهت معرفی نماینده تام الاختیار یا وکیل خود به منظور حضور در مجمع فوق الذکر و اعمال رأی می بایست به اتفاق (عضو و نماینده) تا یک روز قبل از مجمع به دفتر تعاونی مراجعه و ورقه ورود به جلسه دریافت نمایند.
آدرس دفتر: قم، بلوار امام رضا(ع) - پیچ فردوس - مجتمع فردوس.

هیئت مدیره

شماره های تماس جهت درج آگهی در روزنامه جمهوری اسلامی:
۷۷۶۴۴۴۱۰-۷۷۶۴۴۴۱۱
نمابر: ۷۷۶۴۴۴۱۲

«آگهی تجدید مناقصه عمومی یک مرحله‌ای شماره ۱-۱۴۰۱/۲۴»

شرکت مدیریت تولید برق نکا درنظر دارد نسبت به تأمین نیروی انسانی برای اجرای فعالیت‌های نگهداری، تعمیرات جاری، میاندوره‌ای واحدهای بخار، سیکل ترکیبی، توربین انبساطی، تأسیسات عمومی نیروگاه شهید سلیمی نکا مطابق شرایط ذیل و همچنین شرایط عمومی و خصوصی پیوست اسناد مناقصه به پیمانکار واجدشرایط واگذار نماید. علاقمندان می‌توانند اسناد مناقصه را از روز یکشنبه مورخه ۱۴۰۱/۰۹/۱۳ لغایت روز شنبه مورخه ۱۴۰۱/۰۹/۱۹ با مراجعه به سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) به آدرس WWW.SETADIRAN.IR با شماره ۲۰۰۱۰۹۳۷۹۱۰۰۰۰۳۳ دریافت نموده و پس از تکمیل اسناد پاکت پیشنهادی را حداکثر تا ساعت ۱۶ روز سه‌شنبه مورخه ۱۴۰۱/۰۹/۲۹ ضمن بارگذاری در سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) صرفاً پاکت الف را به صورت فیزیکی به اداره تدارکات این شرکت ارسال نمایند. پیشنهادات واصله راس ساعت ۸ صبح روز چهارشنبه مورخه ۱۴۰۱/۰۹/۳۰ با توجه به شرایط مناقصه باز و قرائت خواهد شد. بدیهی است به پیشنهادهای فاقد بارگذاری در سامانه تدارکات الکترونیکی دولت ستاد فاقد امضا، مشروط، مخدوش و به پیشنهادهایی که بعد از موعد مقرر واصل شود مطلقا ترتیب اثر داده نخواهد شد.

۱- مدت زمان انجام کار: یک سال از تاریخ مبادله قرارداد
۲- حضور پیشنهاددهندگان یا نمایندگان آنان در جلسه گشایش پیشنهادهای مالی کمیسیون مناقصه آزاد می‌باشد.
۳ - سپرده شرکت در مناقصه: مبلغ سپرده شرکت در مناقصه معادل ۴/۸۹۶/۵۷۵/۲۹۵ ریال است که بایستی به یکی از صورت‌های مشروحه ذیل همراه با اسناد مناقصه در پاکت الف به دستگاه مناقصه‌گذار تسلیم گردد:
۱-۳ - رسید بانکی واریز وجه مزبور به حساب این شرکت
۲-۳ - ضمانتنامه بانکی به نفع شرکت مدیریت تولید برق نکا با شناسه ملی ۱۰۱۰۱۳۳۶۷۸۷ که می‌بایست دارای سه ماه اعتبار باشد.
۴ - به پیشنهادهای فاقد سپرده، سپرده‌های مخدوش، سپرده‌های کمتر از میزان مقرر، چک شخصی و نظایر آن ترتیب اثر داده نخواهد شد.
۵ - توانایی ارائه ضمانتنامه بانکی حُسن انجام تعهدات به میزان ۱۰٪ مبلغ قرارداد پس از عقد قرارداد.
۶- سایر اطلاعات و جزئیات مربوط، در اسناد مناقصه مندرج است.

جهت مشاهده آگهی و خلاصه اسناد به سایت‌های www.npgm.ir, www.tender.tpph.ir پایگاه ملی مناقصات کشور و سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) مراجعه و برای کسب موارد بازرگانی با شماره تلفن ۰۱۱-۳۴۶۲۲۷۱۷ خانم حیدری و جهت کسب اطلاعات فنی بیشتر با شماره تلفن ۰۹۱۱۳۵۳۵۳۶۹ آقای مهندس معافی تماس حاصل فرمایید.

اداره روابط عمومی

آگهی فقدان سند

آقای قاسم نصیری‌فر با تسلیم دو برگ استشهاد گواهی شده دفترخانه ۳۲ بندر امام خمینی مدعی است که سند مالکیت ششدانگ پلاک ۴۰/۶۲۷ واقع در بخش نه/۹ در صفحه ۲۱۵ دفتر ۳ ذیل ثبت ۴۵۵ بنام ایشان ثبت و سند مالکیت صادر و تسلیم گردیده که بعلت جابه‌جایی مفقود گردیده لذا بدستور تبصره یک اصلاحی ماده ۱۲۰ آئین‌نامه قانون ثبت مراتب جهت اطلاع عموم یک نوبت آگهی می‌شود که هرکس مدعی انجام معامله یا وجود سند مالکیت نزد خود می‌باشد می‌تواند ظرف مدت ده روز از تاریخ انتشار این آگهی اعتراض خود را به این اداره تسلیم دارد و در غیراینصورت پس از سپری شدن قانونی و عدم واخواهی سند مالکیت المثنی بنام مالک صادر خواهد شد. م الف: ۱۶/۱۴۵

موسوی‌فرد ـ رئیس ثبت شهرستان ماهشهر

آگهی فقدان سند مالکیت

نظر به اینکه خانم الهه اسکندری فرزند رجبعلی برابر وکالت نامه شماره ۲۵۲۶۶ مورخ ۱۴۰۱/۰۵/۰۸ دفتر یک کاشمر از طرف آقای مهدی پری زاده قلعه بالا فرزند اسماعیل به شناسنامه شماره ۱۳ متولد ۱۳۴۹/۰۳/۰۹ به شماره ملی ۰۹۰۲۲۳۵۳۹۷ به استناد یک برگ استشهادیه گواهی شده و تقاضای کتبی شماره ۱۰/۱۴۰۱/۴۴۷۱ مورخه ۱۴۰۱/۰۹/۰۸ جهت دریافت سند مالکیت المثنی نوبت اول به این اداره مراجعه و مدعی می باشد سند مالکیت ششدانگ یک باب منزل پلاک ۴ فرعی از یکفرعی از ۱۴۵۷ اصلی بخش یک شهر کاشمر به آدرس : کاشمر خیابان قائم خیابان نسیم - نسیم ۳ پلاک ۲۹ طبقه همکف به علت سهل انگاری گم شده است و برابردفتر املاک کاشمر سند مالکیت تمامی ششدانگ پلاک فوق به شماره چاپی ۱۶۹۵۷ دفتر ۳۹ صفحه ۲۰۵ به شماره ثبت ۶۴۳۴ صادر وتسلیم گردیده دفتر املاک بیش از این حکایتی ندارد. لذا به استناد قسمت پنج تبصره یک اصلاحی ماده ۱۲۰آیین نامه قانون ثبت املاک متذکر میگردد هرکس نسبت به ملک مورد آگهی معامله ای انجام داده یامدعی وجود سند مالکیت نزد خود میباشد باید ظرف مدت ۱۰ روز پس از انتشار آگهی به این اداره مراجعه و اعتراض خودرا ضمن ارائه اصل سند مالکیت یا سند معامله رسمی تسلیم نماید در غیر این صورت پس از انقضاء مهلت مقرر عدم ارسال اعتراض سند مالکیت المثنی طبق مقررات صادر و به متقاضی تحویل خواهد شد. م_ الف ۲۰۰

احمد جهانگیر_ رئیس ثبت اسناد و املاک کاشمر

احتراما به استحضار میرساند از کلیه سهامداران شرکت خاک و بنای شهر(سهامی خاص) ثبت شده بشماره ۱۳۲۶۷۴ و شناسه ملی ۱۰۱۰۱۷۵۹۵۱۸ دعوت به عمل می آید تا در مجمع عمومی فوق العاده مورخ ۱۴۰۱/۰۹/۲۶ راس ساعت ۹ صبح و مجمع عمومی عادی بطور فوق العاده مورخ ۱۴۰۱/۰۹/۲۶ راس ساعت ۱۱ صبح به نشانی آدرس دفتر مرکزی شرکت تشکیل می گردد حضور بهم رسانند.

دستور جلسه مجمع عمومی فوق العاده : نقل و انتقال سهام
دستور جلسه مجمع عمومی عادی بطور فوق العاده : – انتخاب هیئت مدیره و تعیین سمت، حق امضا، انتخاب بازرسین
هرگونه تصمیمی که در صلاحیت مجمع باشد.

با تشکر
هیئت مدیره

آگهی دعوت

جلسه مجمع عمومی فوق‌العاده شرکت رایان‌فن‌گستر پیمان (سهامی عام) به شماره ثبت ۲۸۹۷۰۳ و شناسه ملی ۱۰۱۰۳۲۵۴۲۲۵- از کلیه سهامداران دعوت می‌شود در مجمع عمومی فوق‌العاده شرکت که در ساعت ۱۴ روز یکشنبه ۱۴۰۱/۰۹/۲۷ در محل شرکت واقع در تهران - خیابان دکترعلی شریعتی - نرسیده به سیدخندان - کوچه جهاد - پلاک ۲- کدپستی ۱۵۵۸۷۳۵۷۱۳ تشکیل می‌شود، حضور به هم رسانید.

دستور جلسه: ۱. افزایش سرمایه ۲. سایر مباحث که در صلاحیت این مجمع می‌باشد.

هیئت مدیره شرکت رایان فن‌گستر پیمان

آگهی دعوت

بدینوسیله ازکلیه سهامداران شرکت تولیدی ارغوان خاش سهامی خاص ثبت شده به شماره ۴۰۷ و شناسه ملی ۱۰۳۸۰۰۶۰۷۰۴ دعوت به عمل می آید تا در جلسه مجمع عمومی عادی بطور فوق العاده که در ساعت ۱۰ مورخ ۱۴۰۱/۰۹/۲۸ در محل شرکت واقع در استان خراسان- شهرستان سبزوار- شهرک صنعتی برگزار میشود حضوربهم رسانید.

دستور جلسه: انتخاب اعضای هیات مدیره - انتخاب بازرسین - انتخاب روزنامه و سایر مواردی که در صلاحیت مجمع باشد.

هیات مدیره شرکت

آگهی تغییرات شرکت سهامی خاص صنایع کربنات کلسیم کاشان بشناسه ملی ۱۰۱۰۲۴۷